



علامه مجلسی و خدمتی بزرگ به نام بحارالانوار

علامه مجلسی می‌دانست که عمر زودگذر، فرصت اینکه او بتواند تمام اخبار را جمع، و بعد مرتب و منظم و تهذیب و تنقیح نماید به وی نخواهد داد، پس چه بهتر که تمام اخباری که در کتب معتبر شیعه است، همه را یک جا جمع کند.

علامه مجلسی می‌دانست که عمر زودگذر، فرصت اینکه او بتواند تمام اخبار را جمع، و بعد مرتب و منظم و تهذیب و تنقیح نماید به وی نخواهد داد، پس چه بهتر که تمام اخباری که در کتب معتبر شیعه است، همه را یک جا جمع کند.

به گزارش اینکنا، استاد علی دوانی، محقق و پژوهشگر تاریخ اسلام در کتاب «علامه مجلسی، بزرگمرد علم و دین» به زندگی علامه محمدباقر مجلسی پرداخته است که بخشی از آن را در ادامه می‌خوانید:

علامه بزرگ ملامحمد باقر اصفهانی معروف به «علامه مجلسی» و «مجلسی دوم» سومین پسر دانشمند ملا محمد تقی مجلسی اول است. به گفته میر عبدالحسین خاتون آبادی در تاریخ «وقایع الایام و السنین» علامه مجلسی در سال ۱۰۳۷ در دار العلم اصفهان دیده به دنیا گشود، ولی در مرآت الاحوال ولادت او را سال ۱۰۳۸ نوشته است.

علامه مجلسی از همان اوان کودکی با هوشی سرشار و استعدادی خداداد و پشت کاری مخصوص، به تحصیل علوم متداوله عصر پرداخت. چون در سایه تعلیمات و مراقبت پدر علامه [رسمی](#)؛ اش که خود نمونه کامل یک فقیه بزرگ و عالم پارسا بود، شروع به کار نمود، در اندک زمانی مراحل مختلفه علمی را یکی پس از دیگری طی کرد. از همان سنین جوانی آثار نبوغ از سیمای جالبش آشکار بود، و هر کس او را می‌دید آینده درخشانی را برایش پیش بینی می‌کرد.

وی بعد از تکمیل تحصیلات خود در فنون و علوم مختلف، با واقع بینی مخصوصی، به تحقیق در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) پرداخت، و با استفاده از شرایط مساعد و قدرت سلطان وقت شاه سلیمان [رسمی](#)؛ صفوی، به جمع [رسمی](#)؛ آوری کتابهای مربوطه و مدارک لازمه، از هر مرز و بومی که بود، همت گماشت.

آنگاه برای تامین هدف بزرگ و منظور عالی خود و مسئولیتی که به عهده گرفته بود، یک دوره کامل اخبار روایات ائمه اطهار را در هر باب و هر موضوعی از نظر گذرانید.

سپس در زمانی که درست وارد چهل سالگی عمر گرانبهایش شده و به کمال عقل رسیده بود، با بنیه [رسمی](#)؛ ای سالم و نشاطی عجیب و دانشی پرمایه و اطلاعاتی وسیع، دست به یک اقدام دامنه دار و اساسی زده، شالوده بنای عظیمی را پی ریزی کرد و با تکمیل این بنای محکم و تامین آن منظور ضروری که همانا تالیف کتاب بزرگ «بحار الانوار» است نامش در همه جا پیچید و آوازه فضل و علم و همت بلندش در سراسر دنیای اسلام به گوش دوست و دشمن و عالی و دانی رسید. به طوری که در حیات خودش آثار قلمی و فکری اش، در اقصی نقاط دنیای اسلام و بلاد کفر منتشر شد، و همچون قند پاریسی به بنگاله بردن. دیگران درباره او چه گفته [رسمی](#)؛ اند؟

محدث محقق و فقیه عالی مقام مرحوم شیخ یوسف بحرانی در کتاب «لؤلؤة البحَرین» می‌نویسد: «در خصوص ترویج دین و احیای شریعت حضرت سید المرسلین و تصنیف و تالیف و امر و نهی مردم و ریشه کن ساختن متجاوزین و مخالفین و هواپرستان و بدعت [رسمی](#)؛ گذاران، به خصوص فرقه صوفیه، هیچ کس نه قبل و نه بعد از وی، به پایه او نرسیده است [رسمی](#)؛ هم او بود که احادیث اهل بیت را در شهرهای ایران منتشر ساخت».

تا آنجا که می‌نویسد: «مملکت شاه سلطان حسین (صفوی) [رسمی](#)؛ به وجود شریف او محروس بود، و چون او به رحمت ایزدی پیوست، اطراف مملکت درهم شکست، و ظلم و تعدی همه جا را فرا گرفت، به طوری که در همان سال که او وفات یافت (۱۱۱۰ق) شهر قندهار از دست شاه سلطان حسین بیرون رفت، و بیوسته خرابی بر کشور مستولی گردید تا آنکه تمام مملکت را از دست داد.»

مرحوم آقا احمد کرمانشاهی که از علمای نامی و ذوفنون بوده و با چهار واسطه خواهرزاده علامه مجلسی است در کتاب نفیس «مرات الاحوال» می‌نویسد: «از بعضی ثقات شنیدم که ملامحمد تقی (پدر وی) نقل کرده که شبی از شبها بعد از نماز و تهجد و گریه و زاری بدرگاه قادر علی الاطلاق خود را به حالتی دیدم که دانستم هر چه از درگاه احدیت مسالت کنم، به اجابت مقرون و عنایت خواهد شد، و فکر می‌کردم که از خدا چه بخواهم؟ آیا از امر دنیوی یا از امر اخروی؟ که ناگاه صدای گریه محمد باقر از

گهواره بلند شد. من گفتم الهی به حق محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین این طفل را مروج دین و ناشر احکام سید المرسلین گردان و او را به توفیقات بی نهایت خود موفق بدار.»

سپس آقا احمد می نویسد: «شکی نیست که این خوارق عادات که از آن بزرگوار به ظهور رسیده، نیست مگر از دعای چنین بزرگواری. چه آنکه وی از قبل سلاطین (صفویه) در بلدی مثل اصفهان شیخ الاسلام بود و جمیع مراعات و دعاوی مردم را به نفس نفیس خود رسیدگی می کرد، و فوت نمی شد از او نماز بر اموات و جماعات و ضیافات و عبادات! و آن جناب را شوق شدیدی به تدریس بود، و از مجلسش جماعت بسیاری برخاستند و در ریاض العلما است که عدد ایشان به هزار نفر می رسید. مکرر بیت الله و ائمه عراق عليهم السلام را زیارت کرد، و متوجه امور معاش خود می شد و حواجی دنیای او در نهایت انضباط بود، و با این حال، تالیفات او رسید به آنچه رسید! در ترویج دین به مرتبه‌ای رسید که عبدالعزیز دهلوی (سنی ناصبی) در «تحفه اثنی عشریه» که در این اوقات (در عصر نویسنده) در ابطال مذهب شیعه نوشته، گفته است: اگر دین شیعه را دین مجلسی بنامند رواست، زیرا که این مذهب را او رونق داد و سابق بر این (بر اثر سلطه حکومت اهل تسنن) آنقدر عظمتی نداشت.»

علامه مجلسی نجات دهنده احادیث شیعه

علامه مجلسی در عصری می زیسته که فلسفه و عرفان، فقه و حدیث اهل بیت را تقریباً تحت الشعاع قرار داده بود، علما و فقهای شیعه بیشتر میل به فلسفه داشتند، و فقه و حدیث در درجه دوم اهمیت قرار داشت. اندکی پیش از وی فیلسوف نامی میرداماد و بعد از او شاگردش ملا صدرا شیرازی و دامادهایش ملاعبد الرزاق لاهیجی و ملامحسن فیض (کاشانی) از کسانی بودند که عمر خود را در فلسفه و عرفان صرف کردند. ادامه این وضع، مکتب اهل بیت و رواج افکار نورانی آنها را سخت مورد تهدید قرار می داد، و آینده و خیمی را برای علوم دینی مجسم می ساخت.

به علاوه کتابهای اخبار شیعه بر اثر تاخت و تازها و جنگها و غارت‌هایی که مکرر در ایران روی داده بود، و محدودیت‌هایی که شیعیان پیش از ظهور صفویه داشتند، نوعاً از میان رفته و آنها که باقی مانده بود چندان در دسترس نبود. به همین جهات، شیعه از نظر حدیث و اخبار و فرائض و سنن سخت در مضیقه بود، و به میزان زیادی محتاج به یک دایره المعارف، شامل همه گونه اخبار در هر باب و موضوع بودند.

این علل و عوامل بود که موجب تصمیم علامه مجلسی برای تالیف بحار الانوار گردید. علامه مجلسی می دانست که عمر زودگذر، فرصت اینکه او بتواند تمام اخبار را جمع، و بعد مرتب و منظم و تهذیب و تنقیح نماید به وی نخواهد داد، پس چه بهتر که تمام اخباری که در کتب معتبر شیعه است، همه را یک جا جمع کند؛ و هر جا فرصت کرد، با نوشتن «بیان» و «توضیح» و «ایضاح» به اجمال و تفصیل توضیحی داده و بگذرد، و تحقیق و تفکیک و تهذیب و دقت و تعمق بیشتر را به فرصتهای مناسب موکول کند، یا برای نسل‌های بعدی بگذارد! به همین جهت، در بعضی از بیان‌ها می گوید: «نسخه مغلوط و غیر مرتب و مشوش است، ولی ما آن را نقل کردیم تا اگر بعد از ما نسخه اصل پیدا شود، از روی آن مقابله و تصحیح گردد و گرنه همین نسخه هم که احیاناً خالی از فایده نیست، از بین نرود، و اسمی از آن باقی بماند...»

تاریخ درگذشت علامه مجلسی؛

علامه مجلسی بعد از یک عمر گرانبها و تعلیم و تربیت صدها شاگرد دانشمند، و تالیف و تصنیف و ترجمه ده‌ها کتاب سودمند و مؤثر دینی به عربی و فارسی، و آن همه آثار خیری که از خود به یادگار گذارد، مطابق نقل «روضات الجنات»؛ در شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان سال ۱۱۱۰ هجری، اوائل سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در سن هفتاد و سه سالگی چشم از این جهان فانی فرو بست و روح پر فتوحش به آشیان جنان پرواز نمود، و در مسجد جامع اصفهان پهلوی پدرش ملا محمد تقی مجلسی مدفون گردید. آرامگاه مجلسی از زمان درگذشتش تا کنون همواره مزار مجاورین و مسافرین از زن و مرد مسلمان بوده است.

این شعر، ماده تاریخ روز و ماه و سال رحلت آن مرحوم است و الحق که نیکو سروده شده است:

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد

تاریخ وفات باقر اعلم شد

توضیح اینکه جمله «ماه رمضان» به حساب ابجد (۱۱۳۷) می‌شود؛ که اگر بیست و هفت از آن کم کنیم (۱۱۱۰ق) خواهد شد!